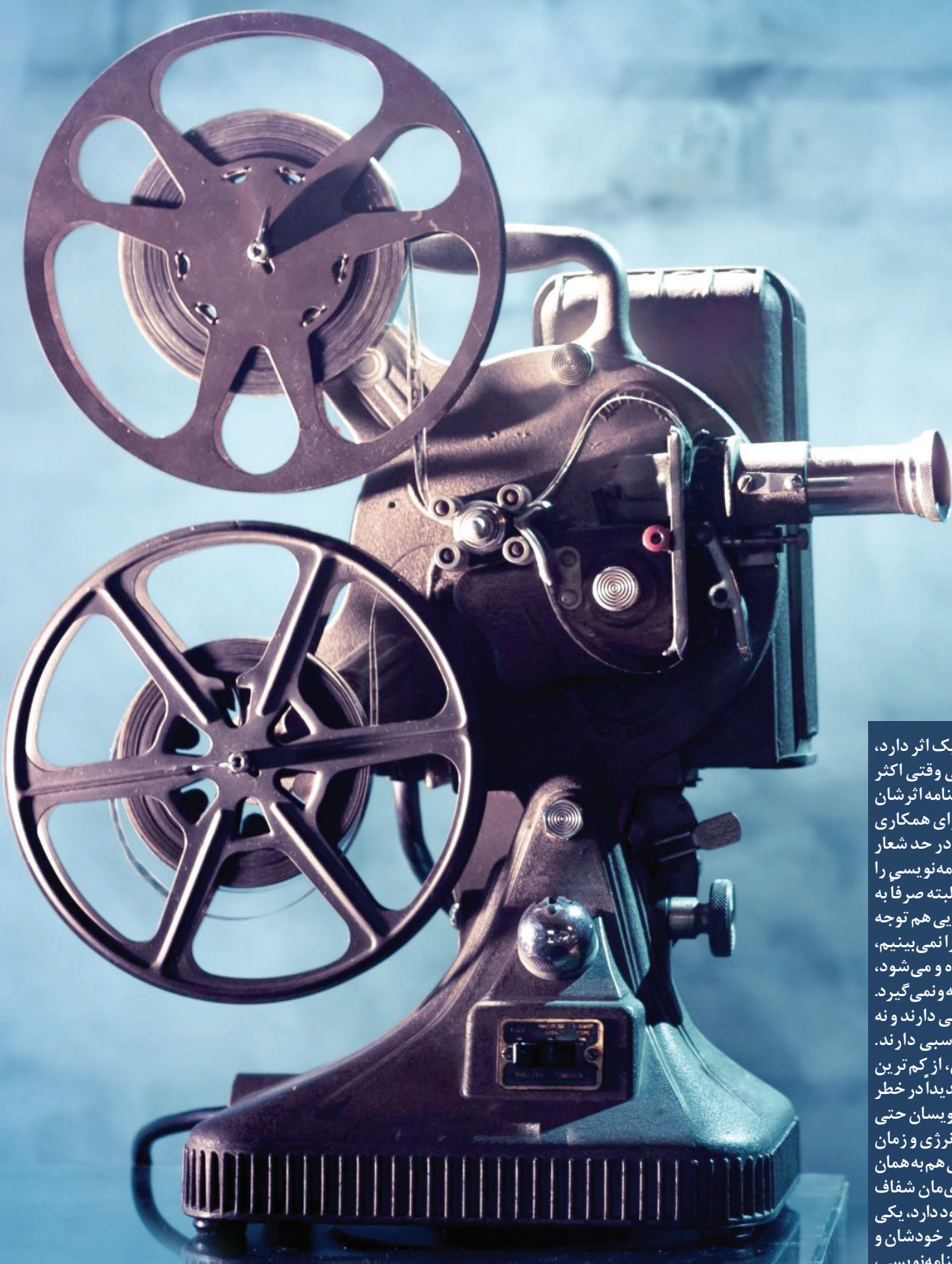


سراپا



اصلی فیلم است و حکم پی ساختمان را برای یک اثر دارد، اما هیچ عملی در این باره دیده نمی‌شود. یعنی وقتی اکثر کارگردانان تصمیم می‌گیرند خودشان فیلمنامه اثرشان را بنویسند و نهایتاً از یک نویسنده صرفاً برای همکاری در کنار خودشان استفاده کنند، آن گفته‌ها را در حد شعار باقی می‌گذارند و به نظر می‌رسد اساساً فیلمنامه‌نویسی را یک حرفه تخصصی نمی‌دانند. این مسئله البته صرفاً به فیلم‌سازان باز نمی‌گردد. در نگاه مدیران سینمایی هم توجه به جایگاه اصلی فیلمنامه و فیلمنامه‌نویس را نمی‌بینیم، چرا که آن قدری که از کارگردانان حمایت شده و می‌شود، حمایت خاصی از فیلمنامه‌نویسان صورت نگرفته و نمی‌گیرد. نه در تبلیغات و مانورهای رسانه‌ای آثار جایی دارند و نه در مسائل مالی و تعیین دستمزد وضعیت مناسبی دارند. فیلمنامه‌نویسان علی‌رغم مهم‌تر بودنشان، از کم‌ترین دستمزدها برخوردار هستند و معیشت‌شان شدیداً در خطر است. همین دلایل باعث می‌شود که فیلمنامه‌نویسان حتی اگر مورد استفاده قرار بگیرند، به اندازه کافی انرژی و زمان صرف نگارش فیلمنامه نکنند و در نتیجه خروجی هم به همان اندازه حداقلی کیفیت خواهد داشت. پس برای مان شفاف شد، که دو مشکل در معضل ضعف فیلمنامه وجود دارد، یکی اصرار کارگردانان و فیلمسازان برای نگارش اثر خودشان و عدم سپردن این امر به متخصصان حرفه‌ای فیلمنامه‌نویسی، دومی حفظ نکردن شأن و جایگاه فیلمنامه‌نویس و اختصاص کم‌ترین بودجه فیلم به بخش فیلمنامه‌نویسی. بعد از نگاهی جدی به این مسئله در می‌یابیم راهکار اولیه برای بهبود کیفیت آثار، توجه ویژه به فیلمنامه و فیلمنامه‌نویسی است. اما اگر به دنبال یک راهکار اساسی برای حل ریشه‌ای مشکل کمیت مخاطب و کم‌رونق بودن گیشه‌های سینما می‌گردیم باید همگی مسئولین و هنرمندان آستین بالا زده و همت کنند. چون این مسئله باراهکارهای سطحی قابل حل نیست و یک عظم ملی برای خانه‌تکانی اساسی را طلب می‌کند. با توجه به آن چه تا بدین جا گفته شده به نظر می‌رسد تدبیر اصلی باید روی کنترل و مدیریت پول‌ها در سینما انجام شود. یعنی مدیران و مسئولین مرتبط باید در دو مرحله تولید و اکران تدابیر ویژه ببندیشوند. تصور نگارنده بر این است که

کمک می‌کند و هم مردم را با سینما آشتی خواهد داد. اما برای اجرایی شدن چنین برنامه یا برنامه‌هایی دو شرط مهم وجود دارد: ۱. از متخصصین مجرب حوزه سینما (و نه صرفاً نام‌آشنا بان و پیشکسوتان) استفاده شود. ۲. تمام راه‌های لابی‌گری، ضد و بند و پارتی بازی بسته شوند. البته جا دارد به نکته مهمی نیز اشاره کنیم، حتماً می‌شود با گرد هم آمدن مدیران و مسئولین و هنرمندان فعال در این عرصه و شنیدن راهکارهای مختلف، همگی با هم به یک اتفاق نظر و یک راهکار منسجم و عملی ایده‌آل برسند. در نهایت باید به آینده جوانان فیلم‌ساز کشورمان امیدوار بود و همچنین نگاه مسئولین هم این چنین باشد و برای حل ریشه‌ای مشکل سینما و ارتقاء آن همت به خرج داده و تمام تلاش خودشان را بکنند.

یکی از راهکارهای بنیادین و ریشه‌ای می‌تواند این گونه باشد که در ابتدای مسیر روند شکل‌گیری یک اثر سینمایی، مسئولین مربوطه فقط به فیلمنامه‌های در خور و قوی مجوز ورود به مرحله تولید بدهند. سپس بعد از گذراندن مراحل تولید و پس تولید به مرحله اکران می‌رسیم. اینجا باید برای فیلم‌ها غیر از تعیین ژانر و سن مخاطب هدف، درجه‌بندی کیفی هم انجام شود، و فیلم‌ها طبق آن درجه‌بندی برای بلیط‌فروشی تعیین قیمت شوند. به نظر می‌رسد این راهکار باعث می‌شود که تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار به خاطر فروش و سود بیشتر ترجیح دهند اثر باکیفیت بسازند، و در کنار آن، مخاطب هم خیالش راحت است که به اندازه هزینه‌اش فیلمی با کیفیت خواهد دید. این روند تولید و این اطمینان خاطر مخاطب، به مرور زمان، هم به بالا رفتن کیفیت آثار